

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



PROPOSAL

پروپوزال

مركز آموزش پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی



مركز آموزش روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی

کارگاه آنلاین روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی



ISI Scopus

مركز آموزش آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترکیه های جستجو

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترکیه های جستجو

بررسی تطبیقی مباحث فقهی ولایت فقیه

امیر پورشاهرودی^۱، علی فقیهی^۲

۱ دانشجوی دکتری فقه و حقوق دانشگاه آزاد بابل، عضو هیأت علمی رسمی دانشگاه فرهنگیان گلستان، ایران

Amir.poorshahroodi@gmail.com

۲ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل و استاد درس خارج فقه و اصول حوزه علمیه مازندران، ایران

Ali.faghihi336@email.com

چکیده

ولایت فقیه از مباحث بحث انگیز حوزه ی اندیشه سیاسی فقهی فقهای امامیه در عصر غیبت معصوم علیه اسلام است این نوشتار در صدد تبیین عقلایی، مستدل و و متقن مبانی مشروعیت نظام ولایت فقیه برآمده است و تلاش می شود از زوایای مختلفی با مدد ادله ی عقلی و نقلی به اثبات ولایت فقیه بپردازد و شرایط، صفات و حوزه ی اختیارات ولی فقیه را مورد بررسی قرار دهد.

امام خمینی (ره) و برخی از فقیهان همواره بر ولایت مطلقه فقیه تأکید کرده اند از منظر آنان فقیه جامع شرایط در تمامی شئون مربوط به حکومت دارای ولایت است و همه ی اختیاراتی که پیامبر (ص) و حضرات معصومین (ع) در زعامت جامعه داشتند، فقیه جامع شرایط داراست و مردم موظف اند به او مراجعه کنند زیرا او حاکم بر تدبیر امور است. در مقابل این اندیشه، عمده ای دیگر ولایت فقیه را از منظر دیگری مطرح کرده اند، به مقیده بودن اختیارات ولی فقیه اعتقاد دارند و آن را مشروط به اموری دانسته اند.

نگارندگان این سطور بر این باورند «ولایت مطلقه فقیه» فراتر از خود نظریه «ولایت فقیه» است به گونه ای که در اداره ی سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی نقش بسیار تعیین کننده تری خواهد داشت.

واژه های کلیدی: ولایت فقیه، جامع شرایط، ولایت مطلقه، ادله مشروعیت

A comparative study of legal issues velayat-e faqih

Amir, Poorshahroodi¹; Ali, Faghihi^۲

¹ PhD student in Azad University of Babol Jurisprudence and Law Faculty of University Farhangyan Golestan,
Iran, E-mail: amir.poorshahroodi@gmail.com

^۲ Islamic Azad University of Babol and jurisprudence seminary teacher out of Mazandaran, Iran

Abstract

Supreme Leader of controversial issues realm of political ideas against Islam is innocent religious Shiite jurists occultation this article seeks to explain the rational, reasonable and strong foundations of the legitimacy of the supreme leader and strive to be raised from various perspectives through rational arguments and transmitted to prove their supreme leader and the conditions, characteristics and examine the scope of the supreme leader.

Imam Khomeini and some scholars have always insisted on absolute clerical rule in terms of fully qualified jurist in all matters related to the administration of the province and all the authority of the Prophet and gentlemen infallibles in the leadership of society were fully qualified jurist. And people are bound to see her because she is dominating affairs.

In contrast to this idea, other major velayat-e faqih have another point of view, to believe Mqydh of the supreme leader, and it is subject to what is known.

The authors believe these lines, "Supreme Leader" beyond its theory of "velayat-e faqih" in such a way that the Muslim community in the management of political and social will be more crucial role.

Keywords: Faqih, fully qualified, absolute rule, legitimatereasons

۱. مقدمه و طرح مسأله

مطالعه تطبیقی مباحث فقهی از روی آوردهای مهم در دین شناسی است و نقش راه بردی و ارزنده ای در حل مسائل نظری و علمی در الهیات، فلسفه، فقه، اصول و سایر دانش ها و علوم مربوط به دین شناسی دارد. و می تواند زمینه ی جلوه نمایی وجود تشابه و تمایز دیدگاه های فقیهان را فراهم آورد.

یکی از مباحثی که در حوزه و گستره ی علوم اسلامی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. و ازهان فقیهان و اندیشمندان دین باور را به خود جلب کرده، مبحث ولایت فقیه است. برای تبیین ولایت فقیه از سوی اندیشمندان و فقه های امامیه عدله ی عقلی و نقلی متعددی ارائه شده است. و برخی از متفکران شیعه معتقدند مباحث ولایت فقیه پیش از آن که مباحث فقهی باشد. مبانی کلامی دارد. و آن را در چارچوب کلامی گنجانده اند. اما در مقابل این گروه، اندیشه ای بر این باور است که عداد موضوعات و مباحث فقهی محسوب می شود. و برای آن به ادله ی نقلی تمسک جسته اند.

اما سوالاتی که در این زمینه مطرح می شود این است که:

۱. ادله ی فقهی ولایت فقیه کدامند.

۲. محدوده ی دلالت ادله ی فقهی در حوزه اختیارات ولایت فقیه چگونه است.

۳. رابطه ی مرجعیت علمی و مرجعیت فقهی چگونه رابطه ای است و چه نسبتی میان علم و فقه وجود دارد.

پرسش های فوق عمدتاً، مربوط به مباحث فرا فقهی در فلسفه ی فقه، اصول و تاریخ فقه امامیه است. و در این علوم، پاسخ کامل آن ها را می توان به دست آورد و نویسندگان این مقاله از این منظر به سوالات مورد اشاره پرداخته اند و سعی و تلاش بر این بوده است در بُعد مشروعیت آن در نظام اسلامی پاسخ مناسبی بیابند. و با طرح نظرات اندیشمندان غفقه و فقاہت شیعی به تقویت و تحکیم پایه های نظری و علمی حکومت مرجعیت دین و مردمی در نظام اسلامی پردازد و با ارائه و بازبینی دیدگاه های فقهی و با نگاهی بر مبنای روایب و توجیه محتوای عقلی و نقلی دقیق متون و منابع معتبر فقهی، نظریه «ولایت فقیه» که به رشد و بالندگی و تعالی اندیشه سیاسی حکومت در نظام مردم سالاری دینی به مفهوم واقعی کامه، کمک می نماید، تبیین شود.

۲. جایگاه ولایت فقیه در اندیشه فقه های امامیه

با توجه به اهتمام ویژه ائمه (ع) به ویژه ارجاع امام زمان (عج) در ارجاع مردم به آشنایان کتاب و سنت در عصر غیبت، در میان شیعیان جای هیچ گونه شک و تردیدی در واگذاری زمامداری و رهبری جامعه ی دینی از سوی شارع مقدس به فقیهان عادل نبوده است؛ از این روی، فقیهان شیعه به جای بحث در اصل موضوع ولایت فقیه بیشتر به دستاوردهای آن پرداخته و آنها را مورد تحقیق قرار داده اند.

شیخ مفید که نزدیک ترین فقیه به دوران غیبت سغراست، حکومت بر جامعه را از سلاطین عرفی، نفی کرده و آن را از آن فقیهان جامع الشرایط می داند:

اقامه ی حدود و احکام جزائی اسلام، مربوط به حاکم اسلامی است که از سوی خداوند نصب می شوند و آنان همان امام معصوم از نسل پیامبر (ص) هستند و کسانی که ائمه (ع) آنها را به عنوان امیر یا حاکم نصب کنند، و ائمه اظهار نظر در این مطلب را، به فرض امکان آن، به قتهای شیعه واگذار کرده اند. بر فقیهان پیرو آل محمد (ع) است که در بین برادران خود به حق داوری نمایند، زیرا ائمه (ع) به استناد روایاتی که از آنها رسیده و در نزد آگاهان، صحیح و معتبر است، این امر را در صورت امکان اجراء به آنان تفویض کرده اند. (شیخ مفید، ۱۴۱۰، ج ۲/۸۱۰ و ۸۱۱)

فقیهان نامدار شیعه از جمله شهید اول، محقق کرکی، شهید ثانی و مرحوم نراقی به نوعی تئوری ولایت فقیه را مطرح کرده اند شاهد این مطلب دفاع شهید اول در کتاب الدروس الشریعه می نویسد: اجرای حدود و تعزیرات در صلاحیت امام معصوم و نایب اوست، هر چند که نایب عام باشد. (شهید اول، ۱۴۱۴، ج ۲، ۴۷)

شیخ علی کرکی، فقیه عادل را نایب امامان معصوم (ع) معرفی می کند:

فقیهان شیعه، اتفاق نظر دارند که فقیه جامع شرایط که از آن به مجتهد تعبیر می شود، در عصر غیبت از سوی امامان معصوم (ع) دارای سمت نیابت است. این نیابت شامل همه ی مواردی است که دخالت موقوف به نیابت است. (محقق کرکی، ۱۴۰۹، ج ۱/ ۱۴۲)

شهید ثانی در مسالک الافهام در همین باره گفته است:

فقیه عادل امامی مذهب، که همه ی شرایط فتوا را داشته باشد، نایب و نماینده از سوی امام معصوم است. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱/ ۵۳)

ملا احمد نراقی صاحب عوائد الایام، با نگرش استقلالی و تخصصی، بحث ولایت فقیه را مطرح می سازد، او نخستین فقیهی است که فصل مستقلی از کتاب گرانسنگ خود، عوائد الایام را به این بحث اختصاص داده است. او با تمام صراحت، فقیه را در همه ی زمینه ی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... مبسوط الید دانسته و حاکمیتی غیر از حاکمیت فقیه در جامعه را به رسمیت نمی شناسد و در فرازهایی از نظرات خود می نویسد:

فقیه بر دو امر ولایت دارد: یکی بر آنچه که پیامبر (ص) و امام (ع) ولایت دارند، فقیه نیز ولایت دارد، مگر مواردی که به اجماع و نصّ از حوزه ولایت فقیه خارج شوند.

دیگر اینکه، هر عملی که به دین و دنیای مردم مربوط باشد و ناگزیر باید انجام گیرد، چه عقلاً، عادتاً، و چه از آن جهت که معاد و معاش فرد یا گروهی بدان بستگی دارد و نظم دین و دنیای مردم در گرو آن است، یا از آن جهت که در شرع، بر انجام آن دستوری صادر شده است. (نراقی، ۱۴۰۸، ۱۸۷ و ۱۸۸)

امام خمینی در کتاب ولایت فقیه می نویسد: به ضرورت شروع و عقل، آنچه در دوره ی حیات رسول اکرم (ص) و زمان امیرالمومنین علی ابن ابی طالب (ع) لازم بوده یعنی حکومت و دستگاه اجراء و اداره پس از ایشان و در زمان ما لازم است. (امام خمینی، ۱۳۶۰، ۳۰)

در زمانی که امام معصوم (ع) از انظار عموم غایب و پنهان است، برای آن دسته از انسان هائی که در هر زمان وجدانی بیدار و فکری آزاد دارند و باید از تعالیم آسمانی به هر مقدار که امکان دارد بهره مند شوند و اگر قدرت پیدا کنند حکومتی اگر چه محدود به وجود آورند و نظام عدل الهی را پیاده کنند معیارهای مناسب با حکومت اسلامی، از طرف امام معصوم (ع) تعیین گردیده تا فردی که واجد آنها است. در این مقطع حساس از زمان از امام (ع) نیابت کند و عهده دار ولایت باشد و این همان ولایت فقیه عادل است. (طاهری خرم آبادی، ۱۳۵۸، ۴۹)

در زمان حضور ائمه دیگر هم این نیابت و ولایت برای فقیه عادل مخصوصاً در جاهائی که دسترس به امام معصوم (ع) نداشتند بوده است، پس نصب عام اختصاص به زمان غیبت ندارد بلکه در زمان حضور نیز آن طور که از روایت عمر بن حنظله استفاده می شود وجود داشته است اگر چه در آن زمان ولایت به صورت زعامت در زمامداری نبوده بلکه تنها در حد قضاوت و فیصله دادن بین مردم در موارد اختلاف بوده است (همان منبع)

امام خمینی در کتاب ولایت فقیه « حکومت اسلامی » معتقد به نصب الهی ولایت فقیه شده و چنین می نویسد : لازم است که فقها اجتماعاً یا انفراداً برای حدود و حفظ ثغور نظام ، حکومت شرعی تشکیل دهند . این امر اگر امکان داشت ، واجب عینی ، وگرنه ، واجب کفایی است و در صورتی که ممکن نباشد از ولایت ساقط نمی شوند ، زیرا از جانب خدا منصوب اند . (امام خمینی ، ۱۳۶۰ ، ۵۷)

۳. مبانی و منابع مشروعیت ولایت فقیه

برای اثبات مشروعیت رهبری و ولایت فقیه فقها و اسلام شناسان به دلایل عقلی و نقلی و احادیث فراوانی استناد کرده اند . ما در این مقال ، ابتدا ادله ی عقلی نصب ولایت فقیه را بررسی کرده ، در ادامه نیز به ذکر ادله نقلی می پردازیم و سپس در هر دو صورت ، محدوده ی دلالت این ادله را بر حوزه ی اختیارات ولی فقیه بیان می کنیم .

الف - ادله عقلی ولایت فقیه

۱. قاعده لطف:

برهان عقلی محض بر ولایت فقیه است به این معنا که ، وجود حکومت صالح و امام عادل ، در ترقی و رشد مادی و معنوی جامعه نقش تعیین کننده ای دارد و برای تحقیق این هدف ، لطف الهی اقتضاء دارد که در رأس جوامع بشری در طول تاریخ ، انبیاء و امام معصوم (ع) قرار گیرند تا جامعه بشری افزون بر داشتن قوانین الهی، با داشتن رهبری صالح ، عالم و عادل به سعادت رسند . و در عصر غیبت امام(عج) اقتضای لطف الهی آن است که شبیه ترین فرد به معصومین (ع) را برای سرپرستی جامعه اسلامی تعیین کند ، فقیه جامع الشرایط که عالم به احکام دین ، آگاه از مسائل اجتماعی و سیاسی زمان ، عادل و همچنین با کفایت است .

همان لطفی که ضرورت وجود معصومین (ع) را در رهبری جامعه اسلامی اقتضاء می کرد ، ضرورت تعیین فقیه جامع الشرایط در عصر غیبت را نیز لازم می شمرد. امام خمینی (ره) در این باره می فرماید : آنچه دلیل امامت است ، خود آن ، دلیل لزوم حکومت « ولی فقیه » بعد از غیبت ولی امر (ع) می باشد . (امام خمینی ، ۱۴۵ ، ج ۲ ، ۴۶۱)
به منظور تأمین مصالح جامعه اسلامی ، برای اینکه لطف کامل ، حاصل شود ، باید ولی فقیه جامع الشرایط تمامی اختیارات حکومتی پیامبر (ص) و ائمه (ع) را در اداره امور اجتماعی دارا باشد .

۲. حکمت الهی:

از آنجا که حکومت صالح و امام عادل و حکیم با فراهم آوردن زمینه های لازم برای رشد معنوی و تعالی روحی، و از بین بردن زمینه های فساد و هرج و مرج و با برقراری امنیت سبب هدایت انسان ها می شود ، از همین رو خداوند در ادامه ی رسالت انبیاء ، امامان (ع) را به گونه ای خاص ، و فقهای جامع الشرایط را به گونه ای عام تعیین می نماید تا سبب هدایت مادی و معنوی انسان ها شود و اگر چنین امری تحقق نپذیرد ، نقض غرض الهی خواهد بود ، حال آنکه خداوند حکیم نقض قرض نمی کند .

مقتضای قاعده حکمت ، حاکمیت معصوم است که زمینه های لازم را برای هدایت فراهم می آورد ، اما در صورت نبود او ، مقتضای حکمت الهی ایجاب می کند کسی که امر رهبری امت را برعهده گیرد که از نظر صفات ، بیش از همه به معصوم (ع) شبیه باشد ، یعنی همان فقیه جامع الشرایط

۳. ضرورت نظم اجتماعی :

زندگی اجتماعی برای انسان ضرورت دارد و برای بقای زندگی اجتماعی، وجود حکومت مبتنی بر قانون ضروری است و حکومت بدون حاکمیت ممکن نیست، از این رو لازم است در رأس جامعه ای دینی که بر اساس مکتب شکل گرفته، شخص عادل، با کفایت و از همه آگاه تر به قانون الهی باشد در این شرایط در معصوم (ع) وجود دارد و اگر معصوم نباشد، نوبت به کسی می رسد که در علم و عدالت و کفایت شبیه ترین افراد به اوست و او همان فقیه جامع شرایط است. (پازوکی، ۱۳۹۲، ۱۶۶)

۴. ماهیت احکام اسلامی :

اسلام تنها منحصر به احکام عبادی نیست، بلکه در زمینه مسائل اقتصادی، مالیاتی، جزائی، حقوقی، دفاعی، معاهدات بین المللی و ... نیز مقرراتی دارد و احکام اسلامی، نسخ نشده، بلکه به دلیل خاتمیت دین اسلام و جاودانگی آن همواره برقرار است. ماهیت و کیفیت احکام حقوقی، قضائی، دفاعی، اقتصادی و اجتماعی اسلام گوه این مطلب است که به منظور اداره سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامع تشریح گشته است؛ آن سان که بدون تشکیل حکومت امکان اجرای بسیاری از آنها نیست و به حکم عقل و شرع، اجرای قوانین اسلام و اصل حکومت در عصر غیبت نیز استمرار دارد و در جامعه ای که می خواهد بر اساس قوانین اسلام اداره شود. والی مسلمان باید واجد این شرایط باشد: - علم به قانون الهی ۲- عدالت ۳- کفایت سیاسی ۴- توان مدیریت. مصداق کامل کسی که دارای این صفات است، در عصر غیبت فقیه جامع شرایط است.

ب- ادله نقلی ولایت فقیه

۱. حدیث اللهم ارحم خلفائی :

در من لایحضره الفقیه شیخ صدوق روایت را چنین نقل می کند:
و قال امیرالمومنین علیه السلام قال رسول الله صلوات الله علیه اللهم ارحم خلفائی - ثلاث مرات - قیل له: یا رسول الله! و من خلفائک؟ قال: الذین یأتون من بعدی یروون عنی حدیثی و سنتی.
امیر المومنین علیه السلام روایت می کند که رسول خدا صلوات الله علیه فرمود: خداوند! جانشینان مرا در مورد رحمت خود قرار ده. عرض شد: ای رسول خدا صلوات الله علیه جانشینان شما چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان که پس از من می آیند و حدیث و سنت مرا نقل می کنند. (شیخ صدوق، ۱۴۱۰، ج ۴/ ۳۰۲)

در تبیین دلالت حدیث، مراد از روایان حدیث و سنت پیامبر صلوات الله علیه کسانی نیستند که تنها نقل حدیث می کنند، بی آنکه از رموز احادیث و احکام اسلامی آگاهی کامل داشته باشند. و روایت ظهور در مقام فقاهاست؛ زیرا برای تعلیم و نشر احکام الهی باید رموز احکام الهی را بدانند و صحیح را از سقیم باز شنایند و از سویی به اطلاق و تقید، عام و خاص نیز آگاه باشند. از طرفی حدیث انصراف به فقهای جامع شرایط دارد تا ناقلان حدیث، و از قرینه خارجی آن در می یابیم که مراد عالم فقیه است، نه ناقل حدیث

۲. مقبوله ی عمر بن حنظله :

یکی از روایاتی که برای اثبات ولایت فقیه مطلقه فقیه بدان استناد شده است مقبوله عمر بن حنظله است:
عمر بن حنظله می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره دو نفر از شیعیان که در مورد قرض یا میراث اختلاف داشتند و به سلطان یا قضات مراجعه نموده بودند، سوال کردم که آیا این کار جایز است؟ امام فرمود: هر کس در حق یا باطل نزد آنان دادخواهی کند، بدون تردید به طاغوت دادخواهی کرده است و آنچه به نفع او حکم شود، به حرام گرفته است، اگر چه حق مسلم او باشد، زیرا آن را به فرمان طاغوت که خدا دستور کفر ورزیدن به آن را داده است، اخذ نموده ... گفتم پس چه کنند؟

فرمود: مراجعه کنند به شخصی از خودتان که حدیث ما را روایت کرده است و در حلال و حرام ما اهل نظر بوده و آشنای به احکام ما است، او را به داوری بپذیرد؛ من او را بر شما حاکم قرار دادم، پس آنگاه که به حکم ما حکم نمود و از وی نپذیرفتند بی کمان حکم خدا را سبک شمرده و به ما پشت کرده اند و کسی به ما پشت کند به خداوند پشت کرده و این در حد شرک به خداوند است. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ۶۷)

امام خمینی در استدلال به این حدیث می فرماید: قول آن حضرت که فرمود: کسی که در حق یا باطل بودن از اینان داوری خواهد از طاغوت داوری خواسته است. انطباق آن با ولایت روشن تر است، بلکه اگر قراین دیگری نبود ظهور در خصوص ولایت است. به هر حال دخول والیهای طغیانگر در آن بدون اشکال است. به ویژه به مناسبت حکم و موضوع، و با استشهاد آن حضرت به آیه ای که به تنهایی ظهور در نهی از مراجعه به حکام ستمگر دارد و اینکه راوی گفته است، چه کار بکنند؟ پرسش درباره مرجع رسیدگی در هر دو باب قضاوت و ولایت است و اختصاص آن در خصوص باب قضاوت بسیار بعید به نظر می رسد. (امام خمینی، ۱۴۱۵، ج ۲، ۴۷۸ و ۴۷۹)

آنگاه در ادامه می فرماید: از مجموعه آنچه گفته شد روشن گردید که از گفتار امام علیه السلام که می فرماید: پس من او را حاکم بر شما قرار دادم، استفاده می شود که آن حضرت، فقیه را چه در شئون قضاوت و چه در شئون ولایت، حاکم قرار داده است، پس فقیه در هر دو باب، ولی امر و حاکم است، به ویژه با عدول آن حضرت از کلمه ی (قاضیاً) به کلمه (حاکماً) و بلکه بعید نیست که قضا نیز اعم از قضاوت قاضی و امر و حکم والی باشد. خداوند تبارک و تعالی نیز می فرماید:

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ

به هر حال هیچ اشکالی در تعمیم حاکمیت فقیه به هر دو باب قضاوت و ولایت وجود ندارد. (همان منبع)

۳. توقیع مبارک حضرت ولی عصر (عج):

شیخ صدوق در کتاب کمال الدین و تمام النعمه روایتی را نقل کرده که در خصوص ولایت فقیه به آن استدلال شده است: و أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواه حديثنا فانهم حجتي عليكم و أنا حجة الله عليهم .

اما در حوادثی که به وقوع می پیوندد، در آن به روایان حدیث ما مراجعه کنید، که آنان حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنان هستم. امام خمینی در کتاب ولایت فقیه در تبیین دلالت حدیث و عنوان حوادث واقع چنین می فرماید:

منظور از حوادث واقعه، که در این روایت آمده، به مسائل و احکام شرعی نیست. نویسنده نمی خواهد بپرسد درباره مسائل تازه ای که برای ما رخ می دهد چه کنیم، چون این موضوع جزء واضحات مذهب شیعه بوده است و روایات متواتر دارد که در مسائل باید به فقها رجوع کنند. در زمان ائمه (ع) هم به فقها رجوع می کردند و از آنان می پرسیدند. کسی که در زمان حضرت صاحب سلام الله علیه باشد و با نواب اربعه روابط داشته باشد و به حضرت نامه بنویسد و جواب دریافت کند، به این موضوع توجه دارد که در فراگرفتن مسائل به چه اشخاصی باید رجوع کند. منظور از حوادث واقعه، پیش آمدهای اجتماعی و گرفتاری هایی بوده که برای مردن و مسلمین روی می داده است و به طور کلی و سر بسته سوال کرده: اکنون که دست ما به شما نمی رسد، در پیش آمدهای اجتماعی باید چه کنیم و وظیفه چیست (امام خمینی، ۱۳۶۰، ۶۸)

صاحب جواهر ضمن استدلال برای اثبات ولایت فقیه جامع شرایط، چنین گفته است: اینک امام زمان علیه السلام فرموده: « فقهای جامع شرایط حجت من بر شمایند و من حجت خدا هستم » ظهور قوی تری دارد در اینکه فقیه جامع شرایط حجت من است بر شما در تمام آنچه من حجت خدا بر شما هستم. حتی بر نقل بعضی کتب، توقیع شریف بدین گونه نیز ذکر شده: آنان فقهای جامع شرایط، خلیفه من بر شما هستند، این سخن دارای ظهور قوی تری در مدعای ماست، چه اینکه واضح

است منظور از خلیفه یا جانشین ، عرفاً عمومیت در ولایت است ، یعنی در تمامی اموری که من بر شما ولایت دارم ، فقهی جامع شرایط نیز از جانب من بر شما ولایت دارند .

مرحوم نجفی صاحب جواهر این نظریه را از محقق کرکی نیز نقل کرده و کمی بعد از آن چنین گفته است :

اگر عمومیت ولایت نبوده ، بسیاری از امور مربوط به شیعیان بدون سرپرست و معطل باقی می ماند . (نجفی ، ۱۳۷۶ ، ج ۲۰ ریال ۳۹۵ و ۳۹۷)

ماحصل کلام اینکه در تمام حوادث واقعه و رویدادهای اجتماعی و سیاسی که در عصر غیبت روی می دهد ، می بایست به فقیه جامع شرایط مراجع کرد و نظر او در تمامی این موارد حجت می باشد؛ و این همان چیزی است که ما از آن به ولایت فقیه در تدبیر امور اجتماعی و سیاسی تدبیر می کنیم.

۴. محدوده دلالت ادله عقلی و نقلی بر حوزه اختیارات ولی فقیه

از آنجا که ادله عقلی مطرح شده در باب ولایت فقیه ، دلیل لُبی است و لفظ خاصی نیز در آن نیست تا بتوان به عموم اطلاق آن تمسک کرد ، از این رو با دلیل لُبی فقط می توان قدر متیقن و حداقل ها را ثابت کرد ، به عنوان مثال ، در مسئله ولایت فقیه در اداره جامعه اسلامی ، ادله عقلی فقط اصل ولایت فقیه را اثبات ، و محدوده اختیارات او را به ضروریات جامعه اسلامی و امور حسبی (حداکثر به معنای گسترده آن) محدود می کند . بنابراین حدود اختیارات ولی فقیه جامع شرایط در اداره جامعه اسلامی را باید با ادله نقلی بیان کرد .

ادله عقلی مبتنی بر حکمت الهی و قاعده لطف ، نصب ولی فقیه جامع شرایط را اثبات می کند : اما ادله عقلی بر اساس ضرورت نظام اجتماعی و یا ماهیت احکام اسلام ، فقط ضرورت وجود ولی فقیه جامع شرایط در رأس حکومت اسلامی را ثابت می کند ، نه نصب او را (کربلائی پازوکی ، ۱۳۹۲ ، ۱۶۹)

عقیده بر این است که مسئله ولایت فقیه در اداره جامعه اسلامی و اینکه ولی فقیه به عنوان حاکم و رهبر ، در صورت وجود مصلحت اهم اسلام و مسلمین بتواند اقدامات لازم را در جهت تحصیل آن انجام دهد و در آن زمینه دارای اختیارات وسیع و گسترده باشد ، امری است قطعی و مسلم که عقل نیز کاملاً آن را می پذیرد . بنابراین در مسئله اداره جامعه اسلامی آنچه به عنوان قدر متیقن مطرح است ، رعایت ملحت اهم امور مسلمین می باشد و این امر محدوده ای گسترده و موارد متعددی را شامل می شود ، نه اینکه تنها محدوده به ضروریات شود .

و اما ادله نقلی که بر پایه سه منبع کتاب ، سنت و اجماع بیان گردیده است از جمله آنها ، حدیث اللهم ارحم خلفائی ، مقبوله ی عمر بن حنظله و توقیع شریف و مبارک امام عصر (عج) و مستفاد از مضامین آنها می توان به گسترده بودن دامنه و حوزه ی اختیارات ولی فقیه اشاره کرد به اینکه ظهور قوی در مدعای ما هست و مطلب به شهادت وجدان از واضحات است که فقیه جامع شرایط در ادامه ولایت معصومین (ع) در زمینه مسائل سیاسی و اجتماعی همان اختیاراتی را دارند که معصومین (ع) داشته اند ، مگر اینکه موردی را دلیل خارج کند ؛ زیرا اصولاً تفاوت قائل شدن بین آنها در این زمینه ، عقلاً جایز نیست .

۵. رابطه مرجعیت علمی و مرجعیت فقهی و نسبت بین علم و فقه

در پاسخ به این پرسش که نسبت میان علم و فقه در عرصه ی مدیریت ، چه گونه نسبتی است ؟ آیا این دو مقوله ؛ در عرصه ی مدیریت ، لزوماً ، در برابر هم اند یا چنین تبیینی در میان نیست و این ، می توانند با هم رابطه وثیق و عمیق داشته باشند ؟

در نظریه ولایت فقیه، یکی از شرایط لازم برای احراز تصدی ولایت و قرار گرفتن در رأس نظام سیاسی و اجتماعی، فقاہت شناخته می‌شود. بر این اساس بر این باور هستیم که هم از جهت نصوص دینی و هم از جهت عقلانی، افزون بر عدالت و مدیریت و تدبیر که از شرایط ضروری ولی فقیه است، شخص حاکم که مجری قوانین و مقررات است، باید علم و آگاهی کامل و کارشناسانه از قوانین و مقررات حاکم بر جامعه داشته باشد تا بتواند آن‌ها را به اجرا گذارد و جامعه را در پرتو آن، به سامان رساند و نظم بخشد. بنابراین، در رأس یک حکومت دینی هم که قوانین و مقررات دینی به اجرا گذاشته می‌شود، باید فردی قرار گیرد که از این خصیصه برخوردار باشد و با دانش کافی که از احکام دینی تبلور یافته در فقه دارد، بتواند به تنظیم امور و اداره‌ی جامعه بپردازد.

اگر منظور از مدیریت، نظام اجرایی و رهبران و حاکمان سیاسی کشور است، روشن است که نظام مدیریتی و اجرایی کشور، موظف به اجرای قوانین اساسی کشور و نظارت بر حسن اجرای آن است که برای رسیدن به این اهداف و اجرای صحیح قانون، لازم است از بهترین روش‌ها، از جمله روش‌های علمی، شور و مشورت با صاحب نظران و نخبگان استفاده کنند.

در این فرض که منظور از مدیریت، رهبری سیاسی کشور، و منظور از مدیریت فقهی، نظام مبتنی بر ولایت و رهبری فقیه است نمی‌توان میان علم و فقه تقابل داشت و تقابل، کاملاً بی‌مفهوم و ناصواب است، زیرا در چنین نظامی، فقاہت، یکی از شرایط تصدی رهبری است و شرایط بسیار مهم دیگر مانند عدالت، تدبیر، توانایی وافی در مدیریت و زمان‌شناسی، از عمده این شرایط است. (جعفر پیشه‌فرد، ۱۳۸۱، ۱۶۸)

امام خمینی در کتاب بیع فرموده است: تدبیر و اداره‌ی امور در هر حکومتی، همواره با تشریک مساعی شمار زیادی از کارشناسان و ارباب بصیرت انجام گیرد.

و اگر رهبر و رئیس حکومت، فردی عادل باشد، قطعاً وزیران و کارگزاران عادل و شایسته‌ای را بر می‌گزینند. همچنان‌که امیرمومنان علی علیه السلام برای مدیریت کشور از والیان و قاضیان استفاده می‌کرد، در زمان حال نیز مانند گذشته، اداره‌ی امور سیاسی و نظامی و اداره‌ی شهرها و حفاظت مرزها هر یک، به دست شخص یا اشخاص است که صلاحیت و شایستگی لازم در این امور را دارند. (امام خمینی، ۱۴۱۵، ج ۲، ۴۹۸)

باتوجه به مطالب ارائه شده باید اذعان داشت علم و فقه، نسبتی نزدیک و تنگاتنگ در مدیریت دارند و اگر علم، نوعی از مدیریت را مردود دانست، فقه نیز آن را مردود می‌شمرد. رابطه‌ی میان این دو مدیریت یعنی مدیریت علمی و مدیریت فقهی، عام و خاص مطلق است، نه تباین کلی؛ یعنی، هر مدیریت فقهی، علمی هم هست ولی هر مدیریت علمی، فقهی نیست.

۶. خلاصه و نتیجه

مطالعه تطبیقی مباحث فقهی از رو‌آوردهای مهم در حوزه‌ی دین‌شناسی است و نقش راهبردی در حل مسائل انفرادی و علمی در الهیات، فقه و اصول و سایر دانش‌ها و علوم مربوط به دین‌شناسی دارد و می‌تواند زمینه‌ی جلوه‌نمایی وجوه تشابه و تمایز نظرات فقیهان را فراهم آورد.

حکومت اسلامی، حکومت قانون خداست و باید اسلام در جامعه پیاده شود از این منظر حاکم اسلامی باید به بیان و اجرای احکام و قوانین الهی و دستورات مکتب برای مردم بپردازد و وظایف شرعی مردم را در هر موردی مشخص کند و برای آنان روشن سازد.

اسلام تنها منحصر به احکام عبادی نیست، بلکه در زمینه مسائل اقتصادی، جزائی، حقوقی، اجتماعی، سیاسی و معاهدات بین‌المللی و ... مقرراتی دارد و احکام اسلامی نسخ شده، بلکه به دلیل خاتمیت دین اسلام و جاودانگی آن همواره برقرار است. ماهیت و کیفیت احکام حقوقی، قضائی، اقتصادی و اجتماعی اسلام گواه این مطلب است که به منظور اداره‌ی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامع تشریح گشته است، به آن سان که بدون تشکیل حکومت اجرای بسیاری از آنها نیست و به حکم عقل و شرع، اجرای قوانین اسلام و اصل حکومت در عصر غیبت نیز استمرار دارد و در جامعه‌ی ای که می‌خواهد بر اساس قوانین اسلامی اداره شود، والی مسلمانان باید واجد شرایط از جمله: علم به قانون الهی، عدالت، کفایت سیاسی و توان مدیریت، باشد. و مصداق کامل کسی که دارای این صفات است، در عصر غیبت، فقیه جامع شرایط است.

با روشن شدن مباحث مربوطه، می‌توان چنین گفت: ولایت به معنای مطلق تصرف در امور مردم و مسلمانان تا حدی که شامل امور شخصی و فردی آنان گردد، برای فقیه مطرح نیست، مگر در مواردی که امور شخصی به گونه‌ای به امور اجتماعی، عمومی و سیاسی بازگردد. نیز معلوم شد که ولایت در قلمرو و حداقلی اش را، که از آن به امور حسبیه یاد می‌شود. «ولایت مقیده» یا «محدوده» می‌گویند؛ چنان که از ولایت فقیه در قلمرو و حداکثری اش، با عنوان «ولایت مطلقه فقیه» یا ولایت عامه تعبیر می‌شود.

مینا و منشأ ولایت مطلقه فقیه آن است که اولاً، پذیرش حکومت، مستلزم پذیرش اختیارات مطلقه است؛ زیرا فقیه جامع شرایط بدون اختیارات گسترده، توانایی انجام وظیفه خویش را نداشته، تشکیل حکومت دینی و تحقق آرمان‌ها و اهداف دین غیر ممکن خواهد بود؛ ظهور قوی روایات مربوط به مقبوله عمر بن حنظله، توقیع تشریف امام زمان (عج) و حدیث الهم ارحم خلفائی که در مسئله ولایت فقیه مورد استفاده قرار گرفت، ولایت مطلقه و عامه را نیز ثابت می‌کند. روایات و احادیث بسیاری، بیانگر اصل نیابت و ولایت فقیه هستند و تا هنگامی که نیابت و ولایت قید نخورده است، به طور طبیعی از آن ولایت مطلقه استفاده می‌شود.

شماری از بزرگان فقه و فقهات از عبارت «فَأَنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ» که در توقیع مبارک حضرت حجت (عج) آمده است، ولایت مطلقه را ثابت کرده اند؛ همچنان که ظاهر جمله‌ی «فَأَنِّي قَدْ جَعَلْتَهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا» آن است که فقیه جامع شرایط، به طور عموم بدون هیچ قیدی برای حاکمیت و رهبری منصوب و برگزیده شده است.

۷. فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. قرآن کریم

۲. جعفر پیشه فرد، مصطفی، (۱۳۸۱) چالش‌های فکری نظریه ولایت فقیه، موسسه بوستان کتاب، قم

۳. طاهری خرم آبادی، سید حسن، (۱۳۵۸). ولایت فقیه و حاکمیت ملت، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم

۴. کربلائی پازوکی، علی (۱۳۹۳). ولایت فقیه، پیشینه، ادله و حدود اختیارات. دفتر نشر معارف اسلامی، قم

۵. کواکبیان، مصطفی، (۱۳۷۸) مبانی مشروعیت در نظام ولایت فقیه، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران

۶. موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۳۶۰). ولایت فقیه، «حکومت اسلامی»، چاپخانه سپهر، تهران

۷. یزدی مطلق، محمودی، (۱۳۸۱). امامت پژوهی. چاپ دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد مقدس

ب) منابع عربی

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۵ هـ. ق). کمال الدین تمام النعمه، تصحیح علی اکبر غفاری، موسسه النشر الاسلامی، قم

۲. جبل عاملی، زین الدین علی بن احمد، (۱۴۱۳ هـ. ق). مسالک الافهام فی شرح شرائع الاسلام، موسسه المعارف الاسلامی، بی جا، ج ۱

۳. جبل عاملی، محمد بن جمال الدین ملکی، (۱۴۱۴ هـ. ق). الدروس الشرعیه، موسسه النشر الاسلامی، قم، ج ۲

۴. صدوق، علی بن بابویه، (۱۴۱۰ هـ. ق). من لایحضره الفقیه، دارالکتب الاسلامی، تهران، ج ۴

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸ هـ. ش). اصول من الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۱

۶. کرکی، علی ابن الحسین بن عبدالعالی، (۱۴۰۹ هـ. ق). الرسائل، تحقیق محمد حسّون، مکتبه آیت الله مرعشی، قم، ج ۱

۷. مفید، محمد بن مهملد بن نعمان. (۱۴۱۰ هـ. ق). المقنعه، موسسه النشر الاسلامی، قم، ج ۲

۸. موسوی خمینی، سید روح. (۱۴۱۵ هـ. ق). البیع، چاپ اسماعیلیان، قم، ج ۲

۹. نراقی، ملا احمد، (۱۴۰۸ هـ. ق). عوائد الایام، مکتبته بصیرتی، قم

۱۰. نجفی، محمد حسن. (۱۳۷۶ هـ. ش). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۲۰

Archive SID

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



PROPOSAL
پروپوزال

پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

دکتره تهرانی

کارگاه آنلاین
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی



روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی

دکتره تهرانی

کارگاه آنلاین
روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی



ISI
Scopus

آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو

دکتره تهرانی

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو